

بررسی اثر تعدی و تفریط در تغییر وضع حقوقی وکیل

در موضوعات مطروحه در جامعه حقوقی مباحث مختلفی وجود دارد که بهتر است با واکاوی و تبیین کامل آنها آگاهی افزایی شود و همچنین تردیدها و شبهات احتمالی برطرف گردد. بدین منظور یکی از مباحث مهم موجود در جامعه موضوع وکالت می‌باشد که جا دارد به صورت دقیق تری به آن پرداخته شود و لذا اینجانب ابتداءً به دو مبحث از این موضوع می‌پردازم.

تعریف و ماهیت عقد وکالت:

مرحوم کاشف الغطاء، هم در تعریف وکالت، به نقل از استاد خویش اشاره می‌کند. ایشان، وکالت را: «استنابت، در تصرف و امری از امور در زمان حیات»، تعریف کرده اند و اگر اثرات وکالت، فقط دادن اذن و اباحه در تصرف باشد، باید، در زمره ایقاعات به شمار آید. (۱۷۷) اما مرحوم محمد شیرازی، معتقد است: که استنابت، غیر از وکالت است. (۱۷۸) برخی از فقهاء، همچون مرحوم کاشف الغطاء، معتقدند: که اساس وجود هر وکالت، در اعطای سلطه به دیگران است، و نه دادن نیابت و اذن در تصرف. ولی اکثریت قریب به اتفاق فقهاء امامیه، عقیده دارند که وکالت؛ مبتنی بر اعطای نیابت و نمایندگی است، نه مبتنی بر اعطای سلطه. (۱۷۹) محقق حلی، نیز عقد وکالت را: «استنابت در تصرف»، معرفی کرده است. از تعریف مشهور فقهاء امامیه که وکالت را، «استنابت در تصرف»، معرفی کرده اند چنین، برمی آید که، اولاً: در فقه اسلامی، برای اینکه موضع عقد وکالت را با یک ضابطه معین بشناسند، ضابطه قابل نیابت بودن، در نظر گرفته می‌شود. ثانیاً: وکالت، در هر امری ممکن نیست. بلکه باید در امری داده شود، که از نظر حقوقی، برای موکل آثاری به دنبال داشته باشد. در اصطلاح فقهاء، برای «تصرف حقوقی» باشد. (۱۸۰)

عدم ضمان وکیل:

زمانی که عقد وکالت منعقد می‌شود، وکیل، از طرف موکل و به جای او، امر مورد وکالت را، انجام میدهد. و اگر این مسئله را از نظر حقوقی تحلیل کنیم، باید بگوییم: که انجام امر مورد وکالت، از طرف وکیل، مثل این است که خود موکل، آن امر را انجام می‌دهد. در نتیجه: ید وکیل، به منزله ید موکل، خواهد بود. و اموالی که به تصرف وکیل داده شود، تا وی، امر وکالت را انجام دهد. به طور کلی، هر مالی را که به واسطه وکالت خویش تحصیل می‌کند، در تصرف و در ید او، امانت محسوب می‌گردد. و در واقع اذن موکل: در استنابت نیابت از طرف او برای انجام امری معین، رافع ضمان و مسئولیت وکیل می‌باشد، زیرا: وکیل با داشتن مجوز و اجازه، از سوی موکل مأذون محسوب می‌گردد. و مأذون را هم، باید از ضمان و مسئولیت احتمالی که در اثر نقص یا تلف یا فقدان مال، ایجاد می‌شود مبری دانست. (۱۸۱) امانت: در مورد وکالت هم، از مصادیق امانت تبعی است و نه امانت اصلی. زیرا هدف اصلی، در وکالت را نباید نگاهداری و حفاظت از مال دانست، بلکه هدف اصلی اجرای امری است که از طرف موکل به وکیل تفویض می‌گردد و به تبع آن مسئولیت نگاهداری و حفاظت از آن مال نیز، به عهده وکیل گذارده می‌شود. بنابراین، وکیل هم، مثل سایر اماناء بوده است و عنوان امین موکل، را به خود می‌گیرد. چون سمت امانت، بر او نهاده شده است باید از مال موضوع وکالت، حفاظت و نگاهداری کند. و بنابر ماده ۶۶۸ ق.م بعد از اینکه امر وکالت را انجام داد، یا در موعدهی که بین او و موکل مقرر است مال را به موکل مسترد نماید. (۱۸۲) فقهاء: نیز عقیده دارند که دلیل عدم ضمان وکیل، این است که او عین، را با اذن موکل، در تصرف خویش دارد. و چون امین است، مشمول دلیل، الامین لا یضمن، می‌باشد. و تا هنگامی که تعدی و تفریط از او سر نزده باشد، هر آنچه که در ید اوست، اگر هنگام تصرف و استیلائی او، هرگونه از نقص، تلف و یا مفقود شدن، برای مال ایجاد شود، موجب ضمان و مسئولیت او نخواهد بود. خلاصه کلام: اینکه به واسطه سمت امانت، که به وکیل داده می‌شود، او مسئول و ضامن خساراتی که به مال وارد می‌شود، نیست. این عدم مسئولیت و عدم ضمان او، تا هنگامی که از وی، تعدی و تفریط سر نزده باشد، ادامه خواهد داشت. (۱۸۳) با ملاحظه این دو مبحث پی به اهمیت و تبیین دقیق تر

وظایف، مسئولیت ها و اختیارات وکالت پرداختیم در آینده و در مباحث بعدی ادامه این تبیین خدمت مخاطبین محترم تقدیم خواهد شد.

منابع:

- ۱- کاتوزیان، ناصر، عقود معین، ج ۱، صص ۴۲۲-۴۲۳.
- ۲- کاشف الغطاء، محمدحسین، تحریرالمجله، ج ۴، ص ۴
- ۳- شیرازی، محمد، الفقه، ج ۵۹، ص ۵
- ۴- حلی، محمدبن احمد بن ادريس، تذکره الفقهاء، ص ۷۵؛ عاملی، محمدجواد، مفتاح الکرامه، ج ۷، ص ۵۲۳؛ نجفی، محمد، جواهر الکلام، ج ۲۷، ص ۳۴۷
- ۵- طباطبایی یزدی، محمدکاظم، ملحقات عروه الوثقی، ج ۲، ص ۱۱۲
- ۶- امامی، حسن، حقوق مدنی، ج ۲، ص ۱۸۰